

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهراى اطهر عليها السلام

شهرستان مشهد

مقاله سطح دو (کارشناسی)

اثبات مظلومیت امام علی عليه السلام در پرتو فضایل حضرت

و نگاهی گذرا به عوامل و آثار آن

استاد راهنما:

سرکار خانم طاهره آشفته

استاد داور:

سرکار خانم بلوچیان

پژوهشگر:

طاهره اسفراینی

تاریخ دفاع:

زمستان ۱۳۹۶



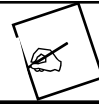
چکیده

موضوع این تحقیق اثبات مظلومیت امام علی علیه السلام در پرتو فضایل حضرت و بررسی عوامل مظلومیت ایشان می‌باشد. با توجه به آیات و روایات فراوانی که دلالت بر افضلیت حضرت علی علیه السلام از جهت خلافت، علمی، عبادی و... دارد، لیکن حق حضرت را غصب کردند؛ چنان‌که خود حضرت بارها در شرایط مختلف یادآور این موضوع شدند.

در این نوشتار به احتجاجاتی که در شرایط مختلف، حضرت از بیعت‌شکنی مردم ایراد کردند، آمده است و نیز چه عواملی این زمینه را ایجاد کرد و بالطبع چه آثار و نتایجی این ظلم‌ها به همراه داشت، به‌طور مختصر پرداخته شده است. هدف از این نوشتار بصیرت و آگاهی جامعه نسبت به مقام و شناساندن مرتبه‌ی ظلمی که به حضرتش وارد شد، می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه.....
	فصل اول: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قبل از غصب حق خلافت
۵.....	اتمام حجت‌ها در مورد خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
	فصل دوم: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) - بعد از خلافت
۷.....	اتمام حجت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با کسانی که بیعت شکستند.....
۷.....	چگونگی به راه افتادن جنگ صفین.....
۸.....	احتجاج حضرت با اصحاب خود پیرامون عهد و بیعت.....
۸.....	مظلومیت حضرت در میان یاران خود در جنگ صفین.....
۹.....	چگونگی جنگ نهروان.....
۹.....	احتجاج حضرت بر خوارج و بیان مظلومیت‌های خود.....
۹.....	مظلومیت حضرت بعد از شهادت.....
	فصل سوم: مظلومیت حضرت بعد شهادت
۱۰.....	عوامل زمینه ساز مظلومیت حضرت در غصب حق خلافت.....
۱۰.....	برخی عوامل زمینه ساز مظلومیت از بعد خلافت تا شهادت.....
۱۱.....	آثار و نتایج غصب خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
۱۲.....	پیامدهای ممانعت از نگاه حدیث پژوهان شیعه.....
۱۴.....	نتیجه گیری.....
۱۵.....	فهرست منابع و مآخذ.....



مقدمه

مظلومیت مولای متقیان امیرمؤمنان (علیه السلام) بسیار گسترده‌تر از آن است که در قالب یک مقاله بگنجد، ولیکن می‌شود به لطف الهی از دور، دستی بر این آتش داشت و معرفتی به زوایای آن پیدا کرد.

این نوشتار درصدد آن است تا به وسیله‌ی بیان افضلیت امام علی (علیه السلام)، از لسان روایات به خصوص لسان گوهر بار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین از بیان خود حضرت، مظلومیت ایشان را اثبات کند تا به وسیله‌ی اثبات مظلومیت امام، دانش افزایی در مورد این امام همام بیشتر شود و قدر و مقام حضرت شناخته شود و علاوه بر آن، قساوت غاصبین حق حضرت، در میان جامعه شناخته شود؛ زیرا هرچه قدر مقام و عظمت امام و جایگاه امامت بالاتر باشد، ظلم‌هایی که به این دستگاه وارد شود، نیز بالاتر است.

در پایان نیز اشاره می‌شود به این که چه عواملی زمینه‌ی ظلم کردن را برای دشمنان حضرت فراهم کرد. تحقیق پیش رو شامل سه فصل می‌باشد:

فصل اول: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قبل از خلافت؛

فصل دوم: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از خلافت تا شهادت؛

در فصل سوم به عوامل زمینه‌ساز مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آثار و نتایج آن پرداخته شده است.

لازم به ذکر است در این نوشتار از منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت بهره گرفته شده است.



فصل اول: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قبل از غصب حق خلافت

مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد مظلومیت علی (علیه السلام) که به اذعان همه‌ی وجدان‌های بیدار تاریخ رسیده، همانا ظلم فاحش در غصب حق خلافت ایشان بوده است که بدین وسیله، لکه ننگی برای همیشه بر دامن تاریخ نشانده است و آثار و پیامدهای جبران ناپذیری در پی داشته است.

اما چرا خلافت را حق حضرت می‌دانیم؟

اول - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول زندگانی شریف خود، بارها از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان خلیفه و جانشین خود انتخاب کنند که با شکوه‌ترین آن‌ها جریان غدیر و بیعت همگانی بود. شکی نیست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه‌ی غدیر درباره‌ی حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «من کنت مولاه فعلی مولاه». زیرا همه‌ی ناقلان حدیث غدیر، همین اشارت را ذکر نموده‌اند. بنابراین به بررسی سند و صحت صدور این جمله از زبان مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست و تنها درباره‌ی دلالت آن بحث است که علمای شیعه به تفصیل در مورد آن سخن گفته‌اند که از موضوع این مقاله خارج است.

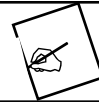
دوم - آیات دال بر ولایت حضرت علی (علیه السلام):

- ۱- آیه‌ی شریفه‌ی ولایت (مائده، ۵۵)
- ۲- آیه‌ی شریفه‌ی اولی الامر (نساء، ۵۹)
- ۳- آیه‌ی شریفه‌ی صادقین (توبه، ۱۱۹)
- ۴- آیه‌ی شریفه‌ی تطهیر (احزاب، ۳۳)

سوم - روایات نبوی

۱- حدیث منزلت: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): يا علي! انت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي.»^۱ «ای علی تو نسبت به من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی هستی؛ جز این که بعد از من پیامبری نیست.»

^۱. محمد بن اسماعیل، بخاری، صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوه تبوک، ح ۸۵۷، ج ۶، ص ۳۰۹.



۲- حدیث یوم الدار: «قال رسول الله ﷺ: ان هذا اخي و وصي و خليفتي فيكم فاسمعوا له و اطيعوا.»^۱ «همانا علی برادر و وصی و خلیفه‌ی من است در میان شما؛ پس به حرف او گوش کرده و اطاعتش کنید.»

۳- حدیث ثقلین: «قال رسول الله ﷺ: اني تارك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا بعدي احدهما اعظم من الآخر كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتي اهل بيتي و لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما.»^۲ «همانا من چیزی در میان شما می‌گذارم مادامی که به آن تمسک کنید، گمراه نخواهید شد بعد از من؛ یکی از دیگری بزرگ‌تر است: قرآن است که طنابی کشیده شده از آسمان تا زمین و دیگری اهل بیت من است. این دو جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند. پس بنگرید چگونه عمل می‌کنید.»

۴- حدیث سفینه: «مثل اهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق.»^۳ «مَثَل اهل بيت من مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت، و هر کس از آن کناره گرفت غرق شد.»

۵- افضلیت حضرت علی (علیه السلام) از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله):

۱- «أقدم امتي سلما و اکثرهم و اعظمهم حلما»^۴

۲- «سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین»^۵

و...

چهارم- محبت شدید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام):

۱- «كان احب النساء الى رسول الله فاطمة (علیها السلام) و من الرجال علی (علیه السلام)»^۶

۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۲.

۲. احمد بن محمد، ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی‌تا، حدیث زید بن ثابت، ج ۵، ص ۱۸۱ و ۱۸۹.

۳. محمد بن عبدالله، نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۳۱۸/۴۷۲۰، ج ۳، ص ۱۶۳.

۴. احمد بن محمد، ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، حدیث معقل بن یسار، ج ۱، ص ۱۳۵.

۵. محمد بن عبدالله، نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفه الصحابه، ج ۲۶۶/۴۶۶۸، ج ۳، ص ۱۴۸.

۶. همان، ذکر مناقب فاطمه، ج ۳۳۳/۴۷۶۵، ج ۳، ص ۱۶۸.



۲- «یحبه الله و رسوله»^۱

و...

پنجم- برخی فضایل و امتیازات فوق العاده حضرت علی (علیه السلام):

- ۱- بستن همه ی درب هایی که به مسجد باز می شد جز درب خانه ی حضرت علی (علیه السلام)^۲
 - ۲- خوابیدن او در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) - ليله المبیت^۳
 - ۳- شکستن بت ها در حالی که قدم بر شانه ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نهاده بود^۴
 - ۴- پیامبر (صلی الله علیه و آله) خلیفه اول را بازگرداندند و حضرت علی (علیه السلام) را برای تلاوت سوره ی براءت فرستادند و فرمودند: لا ینبغی لاحد ان یبلغ هذا الا رجل من اهلی^۵
 - ۵- مناجات خداوند متعال با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز طائف^۶
 - ۶- علی (علیه السلام) روز اخذ میثاق الهی امیرالمؤمنین نامیده شد^۷
 - ۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آسمان عروج کرد برای قضاوت بین ملائکه^۸
- و...

ششم- برخی کرامات حضرت:

- ۱- سلام کردن برخی حیوانات به حضرت با عنوان امیرالمؤمنین (علیه السلام)^۹
- ۲- ورود نماینده ی حضرت در بین اجنه به مسجد و صحبت با حضرت^{۱۰}

۱. محمد بن اسماعیل، بخاری، صحیح البخاری، کتاب فضائل اصحاب، باب ۳۹، ح ۲۲۱، ج ۵، ص ۸۰.

۲. علی بن حسام الدین، المتقی هندی، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ه.ق، ح ۳۶۵۲۱، ج ۱۳، ص ۱۷۵.

۳. محمد بن حسن، طوسی، امالی، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۴۶۶.

۴. نسایی، احمد بن شعیب، خصایص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا، صعود علی (علیه السلام) علی منکب النبی (صلی الله علیه و آله)، ص ۱۱۳.

۵. محمد بن عیسی بن سوره، الجامع الصحیح سنن الترمذی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.ق، کتاب تفسیر القرآن، باب ۱۰، و من سوره التوبه، ح ۳۰۹۰ و ۳۰۹۱، ص ۸۲۰.

۶. بصائر الدرجات، ۲۹۱، ح ۶.

۷. البحار، ۶۷/ ۱۱۳.

۸. سید هاشم بن سلیمان، بحرانی، مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر (علیهم السلام)، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه،

۱۴۱۳ ه.ق، ۱/ ۹۱.

۹. همان، ۲۷۵/۱.

۱۰. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ترجمه: محمد باقر کمره ای، قم، اسوه، چاپ هشتم، بی تا، ۱/ ۳۹۶، ح



و...

هفتم - افضلیت حضرت علی (علیه السلام) از لحاظ علمی:

۱- حضرت در نهج البلاغه می فرمایند:

پس از من پرسید پیش از آن که مرا نیابید. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، نمی پرسید از چیزی که میان شما تا روز قیامت می گذرد ... جز آن که شما را آگاه می سازم و پاسخ می دهم.^۱

۲- حدیث شریف نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد المدینه فلیات الباب»^۲

نتیجه آن که با تمام این فضیلت های فراوان حق خلافت حضرت را غصب کردند و به ایشان ظلم روا داشتند تا آن جا که حضرت در نهج البلاغه در توصیف این ماجرا می فرمایند:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ [ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ] وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ...»^۳

«آگاه باشید! به خدا سوگند! ابابکر، جامه ی خلافت را بر تن کرد، در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد...»

اتمام حجت ها در مورد خلافت امیرالمومنین (علیه السلام)

۱- احتجاج سلمان فارسی پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نکوهش امت در عهدشکنی از حضرت امیر (علیه السلام):

آهای مردم! کلامی از من گوش کرده، سپس درباره اش اندیشه کنید، بدانید که اطلاعات بسیاری در فضایل علی بن ابی طالب دارم که اگر قصد نقل تمام آن ها را داشته باشم، گروهی از شما مرا دیوانه انگاشته و گروهی خونم را مباح سازید... به خدا سوگند که قدم به قدم مانند بنی اسرائیل همان خطاها را مرتکب خواهید شد! به خدایی که جان سلمان در دست اوست سوگند اگر علی را پیشوا و والی خود ساخته بودید، هر آینه برکت و نعمت از آسمان و زمین اطراف شماها را

۱. محمد بن حسین، شریف الرضی، نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ه.ق، خطبه ۹۳.

۲. محمد بن عبدالله، نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفه الصحابه، ج ۲۳۵/۴۶۳۷ و ج ۲۳۶/۴۶۳۸، ج ۳، ص ۱۳۷.

۳. محمد بن حسین، شریف الرضی، نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، ص ۴۸.



فرا می گرفت، تا آن جا که پرندگان آسمان دعوت شما را اجابت می کردند و ماهی های دریا خواسته ی شما را می پذیرفتند و دیگر هیچ دوست و بنده ی خدایی فقیر نشده و هیچ سهم از فرائض الهی از بین نمی رفت، و هیچ دو نفری در حکم خدا اختلاف نمی کردند، ولی افسوس که شما مخالفت نموده و مسند خلافت را به فرد دیگری سپردید، پس در انتظار گرفتاری و بلا باشید...^۱

۱. احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی،



فصل دوم: مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از خلافت

عده‌ای که به طمع دنیا و ریاست با امام بیعت کرده بودند، بیعت خود را شکستند. حضرت در این باره می‌فرمایند: بیعت کنندگان با من چون دیدند آن چه را که می‌خواهند در حکومت من نمی‌توانند به دست آورند، به دست یاری یک زن (عایشه) بر من شوریدند. در حالی که من سرپرست و ولی آن زن بودم که پیامبر مرا وصی خود درباره‌ی او قرار داده بود.^۱

اتمام حجت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با کسانی که بیعت شکستند:

۱- احتجاج با ناکثین:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» این آیه فقط مخصوص ما اهل بیت است نه غیر ما، ولی شما به اعقاب خود باز گشته و مرتد شده و پیمان شکستید و عهد خود را زیر پا نهادید، و این کار هیچ زبانی به خداوند نرساند...^۲

۲- احتجاج امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر زبیر و طلحه وقتی قصد خروج بر آن حضرت نمودند و این که آنان بدون توبه از شکستن بیعت از دنیا رفتند:

آن دو با من وفا نکردند و بیعت مرا شکسته، پیمان خود را بهم زدند، شگفتا از اینان که در برابر خلیفه اول و خلیفه دوم رام شدند ولی با من به مخالفت برخاستند، در صورتی که من کم‌تر از آن دو مرد نیستم و اگر بخواهم بگویم می‌گویم: «بار خدایا بخاطر این کارشان بر آنان غضب فرما و مرا بر آن دو پیروز گردان...»^۳

چگونگی به راه افتادن جنگ صفین

از طرفی معاویه وقتی دید خداوند حق را به حضرت علی (علیه السلام) بازگرداند، در طمع حکومت رو به طغیانگری و عصیان کرد. عمروعاص را به سوی خود متمایل ساخت و به طمع حکوت مصر

۱. محمد، فربودی، حدیث مظلومیت (مظلومیت- صبرها و امتحانات هفتگانه امیرالمؤمنین (علیه السلام))، بی‌جا، کوثر، ۱۳۸۹، ص ۷۲-۷۱.

۲. احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۶۲.



انداخت. در نتیجه حضرت چون به درخواست او پاسخ ندادند، طغیان‌گرانه و ستمکارانه با افراد نادانی که نه عقل داشتند و نه بینش و به وسیله‌ی مال دنیا، معاویه آن‌ها را به طرف خود کشیده بود، بر حضرت هجوم آوردند و جنگ صفین را به راه انداختند. اما وقتی نصرت الهی سپاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) را فرا گرفت، معاویه با حيله‌گری عمروعاص کتاب خدا را بر سر نیزه کرد و در نتیجه باقی‌مانده‌ی سپاه نادان امیرالمؤمنین (علیه السلام) فریب حيله‌ی عمروعاص را خوردند و حضرت را وادار به حکمیت کردند. حضرت هر چه به آنان گوشزد کردند که قرآن ناطق من هستم و قرآن سر نیزه برگه‌ی قرآن است، باور نکردند تا جایی که گفتند اگر علی (علیه السلام) قبول نکند، او را بکشید و به خلیفه سوم ملحق کنید یا به پسر هند تحویلش دهید.^۱

احتجاج حضرت با اصحاب خود پیرامون عهد و بیعت

آگاه باشید که مردم بدکردار به وسیله‌ی پیشوای نادرست نابود گردند و معاویه امروز حقّ مرا که در دست اوست، به ناحق گرفته و بیعت مرا شکسته و در دین خدای عزّ و جلّ سرکشی کرده و به حقیقت شما ای مسلمانان می‌دانید مردم دیروز چه کردند و شما را رغبت و میلی که درباره‌ی من داشتید، برای کار خود نزد من آمدید تا این که مرا برای بیعت از خانه‌ام بیرون کشیدید و من از بیعت با شما خودداری کردم تا آن‌چه در نزد شما است، آزمایش کنم. پس سخن را چندین بار از سر گرفتید و من نیز همان را تکرار کردم و شما روی حرصی که بر بیعت من داشتید، همچون شترانی که برای نوشیدن آب به سوی حوضچه‌های آب هجوم می‌آورند، به جانب من ازدحام کرده و هجوم آوردید و با اصرار هر چه تمام‌تر تقاضای بیعت با من نموده و همدیگر را فشار می‌دادید و ازدحام به حدّی بود که من ترسیدم برخی از شما برخی را بکشد...^۲

مظلومیت حضرت در میان یاران خود در جنگ صفین

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود به صراحت این مظلومیت را چنین بیان می‌فرمایند:
ای مردم! من شما را برای جهاد با این قوم می‌خواندم و شما حرکت نکردید و سخنم را به شما گوشزد نمودم و شما پاسخی ندادید و شما را نصیحت نمودم، نپذیرفتید. شما مردمی هستید حاضر ولی چون اشخاص غایب و پنهانید که حکمت بر آنان می‌خوانم و شما از آن روی می‌گردانید...^۳

۱. ر.ک: محمد، فربودی، حدیث مظلومیت (مظلومیت- صبرها و امتحانات هفتگانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)).

۲. احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. همان، ص ۱۷۳.



چگونگی جنگ نهروان

برخی که با حضرت علی (علیه السلام) به عنوان خلیفه بیعت کردند، بعد از اتمام جنگ با معاویه و ختم آن به صلحی که خودشان تحمیل کرده بودند، از این کار پشیمان شدند و از حضرت خواستند توبه کنند. ولی حضرت نپذیرفت و این باعث شد عده‌ای خروج کرده و به جنگ با حضرت برخیزند.

احتجاج حضرت بر خوارج و بیان مظلومیت‌های خود

مگر آن وقت که از روی حيله و مکر و خدعه و فریب؛ قرآن‌ها را بر سر نیزه بلند کردند گفتید: این مردم با ما برادر و هم مسلکند؟ از ما امان خواسته و به کتاب خدا پناهنده شده‌اند، پس نظر ما این است که حرفشان را قبول کنیم و دست از آنان برداریم؟ و من در پاسخ به شما گفتم: این کاری است که ظاهرش ایمان و باطن آن دشمنی و عداوت است، ابتدایش رحمت است و پایانش پشیمانی و ندامت؟!...^۱

مظلومیت حضرت بعد شهادت

لعن و ناسزاگویی به امام علی (علیه السلام) سنت جاریه‌ای شده بود در روزگار امویان. هفتاد هزار منبر برپا شده بود که در تمامی آن‌ها امام علی (علیه السلام) را لعن می‌کردند. این را مانند عقیده‌ای راسخ و یا فریضه‌ای ثابت و یا سنتی می‌دانستند که با ذوق و شوق کامل، به آن رغبت می‌ورزیدند.^۲

خوارج، علی (علیه السلام) را به باد ناسزا می‌گرفتند و زشت‌ترین تعبیرها را در حق ایشان به کار می‌بردند. بغض و کینه‌ی خوارج در نسبت دادن کفر و گمراهی به حضرت محدود نشد، بلکه کارشان به جایی رسید که حضرت می‌ترسید قبرش را نبش کنند. از این رو چون به شهادت رسید، قبرش را از مردم پنهان کردند و تا مدت‌ها مخفی ماند. حجاج بن یوسف ثقفی کوشید تا به نمایندگی از خوارج، این مأموریت را به انجام رساند. از این رو سه هزار قبر را در کوفه نبش کرد تا بلکه بتواند به جسد حضرت دست یابد، اما هرگز موفق نشد.^۳

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. علی، نظری منفرد، بیست و پنج سال مظلومیت امام علی (علیه السلام) از امامت تا حکومت، جلوه کمال، ۱۳۹۳،

ص ۹۰.

۳. علی اکبر، رشاد، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ۲۳۵/۹.



فصل سوم: عوامل زمینه ساز مظلومیت حضرت در غصب حق خلافت

عوامل زمینه ساز مظلومیت حضرت در غصب حق خلافت

- ۱- کینه توزی: امام سجاد (علیه السلام) در پاسخ به پرسشی درباره ی علت این که قریشی ها امام علی (علیه السلام) را دوست نداشتند، فرمودند: زیرا گروهی از آنان را روانه جهنم کرد و گروه دیگرشان را (در فتح مکه) خوار و ذلیل ساخت.^۱
- ۲- حسد: گذشته از این که امام (علیه السلام) بسیاری از قریشیان را به جهنم فرستاده بود، علاقه ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت نیز حسادت دیگران را بر می انگیزت.^۲
- ۳- ترس عامه ی مردم: در تاریخ نقل شده است که به زور ترس و تهدید مردم را مجبور به بیعت با خلیفه ی اول کردند تا آن جا که بخاری به نقل از عایشه زمانی که جریان سقیفه را نقل می کند، می نویسد: لقد خوف عمر الناس.^۳

برخی عوامل زمینه ساز مظلومیت از بُعد خلافت تا شهادت

- ۱- دنیا طلبی و حب ریاست و مقام
- ۲- حسادت
- ۳- خیانت خواص و پیروی عوام
- ۴- تضاد خواست ها
- ۵- جهل و نادانی مردم
- ۶- فهم غلط از دین و عدم بصیرت
- ۷- رفاه گرایی

۱. علی اکبر، رشاد، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۴۶۳.

۲. همان.

۳. محمد بن اسماعیل، بخاری، ج ۵، ص ۶۷، ح ۱۹۰، کتاب فضایل اصحاب النبی (صلی الله علیه و آله)، فضایل ابوبکر.



آثار و نتایج غصب خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام):

۱- در زمان خلیفه‌ی دوم، بدعت‌های فراوانی صورت گرفت که در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌توان آن‌ها را یافت. اگر مقام ابراهیم را به مکانی می‌گذاشتیم که رسول الله (صلی الله علیه و آله) گذاشته بود و فدک را به صاحبانش می‌دادم و پیمان‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مقداری که معین شده بود، برمی‌گرداندم و احکام و قضاوت‌های ظالمانه را رد می‌کردم و مهریه‌ی زنان مسلمانی را که نامشروع بود، برمی‌گرداندم و ... مردم از اطرافم پراکنده می‌شدند...^۱

۲- انحرافات و شبهات دینی: علاوه بر بدعت‌ها، مشکل بزرگ دیگری که به وجود آورده بودند این بود که مردم آگاهی درستی از دین نداشته و اقدامی در جهت ارائه‌ی آگاهی‌های مذهبی به آن صورت نگرفته بود.^۲

۳- ممنوعیت کتابت احادیث:

نقش خلیفه‌ی اول در منع نگارش: عایشه می‌گوید: پدرم پانصد حدیث از گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را جمع کرده بود. شبی خوابید، اما آرام نداشت. من اندوهگین شدم و از ناآرامی‌اش پرسیدم، چون آفتاب بر آمد، گفت: دخترم احادیثی که نزد تو است بیاور، من احادیث را آوردم، او آتش خواست و آن‌ها را سوزاند.^۳

نقش خلیفه‌ی دوم در منع نگارش: خطیب بغدادی می‌نویسد: به عمر بن خطاب گزارش دادند که در میان مردم، کتاب‌ها و حدیث‌هایی فراهم آمده است. او این امر را ناخوش داشت و گفت: ... همگان کتاب‌ها را نزد من آورند تا درباره‌ی آن‌ها اظهار نظر کنم، مردم گمان کردند که او می‌خواهد در آن‌ها نگریسته و بر اساس معیار، چندگانگی و تعارض آن‌ها را برطرف کند، اما هنگامی که کتاب‌ها را آوردند، همه را در آتش سوزاند.^۴

وی در این کار چنان مراقبت و پافشاری داشت که گاه بزرگانی از صحابه؛ همچون ابن مسعود، ابو درداء و ابو مسعود انصاری را به بهانه‌ی فراوانی نقل حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زندان افکند.^۵

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، ج ۸، ص ۶۰-۵۹.

۲. رسول، جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان)، بی‌جا، دلیل ما، چاپ هفتم، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۴.

۳. شمس الدین ابوعبدالله، الذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵.

۴. احمد بن علی، خطیب البغدادی، تقييد العلم، ص ۵۲.

۵. شمس الدین ابوعبدالله، الذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵.



نقش خلیفه‌ی سوم در منع نگارش: از او نقل است که گفت: هیچ کس را روا نیست که حدیثی را که به روزگار خلیفه اول و خلیفه دوم نشنیده است، گزارش کند. چنان که صحابیانی؛ همچون ابوذر از بیان و نشر حدیث پیامبر ﷺ ممنوع بوده‌اند.^۱

پیامدهای ممانعت از نگاه حدیث پژوهان شیعه

۱- جلوگیری از انتشار فضایل اهل بیت (علیهم السلام): مطالعه‌ی تاریخ اسلام به خوبی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ در سرتاسر بیست و سه سال بعثت خود، بارها بر فضیلت و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)، به ویژه خلافت و جانشینی علی (علیه السلام) پای فشرد. مخالفت‌ها و حسادت‌ها تا زمان حیات پیامبر ﷺ ادامه داشت، اما به هر حال حضور پیامبر ﷺ مانع از گسترش آن می‌شد. اما پس از رحلت پیامبر ﷺ زمینه برای آشکار شدن و عینیت بخشیدن به تمام دغدغه‌های درونی بسیاری فراهم شد و آنان به آرزوی دیرینه‌ی خود که همانا سپردن علی (علیه السلام) به چاه فراموشی و محو او از تاریخ بوده، دست یافتند.

۲- محو روایات نکوهش خلفاء:

آنان برای دستیابی به این هدف از دو شیوه بهره جستند:

۱. با ساختن روایات دروغین، شخصیت پیامبر ﷺ را تا سر حد انسان‌های معمولی و پر لغزش - که گاه کارهای ناروایی، همچون دشنام، ناسزاگویی و لعن اشخاص از آنان سر می‌زند- پایین آوردند، تا کسی به سخنان نکوهش‌آمیز پیامبر ﷺ برای قضاوت منفی درباره‌ی شخصیت افراد استناد نکند.

۲. با شیوه‌ی مخالفت با نقل، کتابت و تدوین حدیث، خاطره‌ی این گونه روایات را از اذهان پاک کردند تا در فرصتی مناسب روایاتی در ستایش آنان ساخته شده و در میان مسلمانان منتشر گردد.

۳. اجتهاد در برابر نص: استاد شهرستانی در این باره چنین آورده است:

از بحث‌های گذشته به این نتیجه می‌رسیم که عامل حقیقی پنهان در ورای منع حدیث، تنها مخفی کردن فضایل اهل بیت (علیهم السلام) نبوده است، بلکه هدف، آفرینش فضای فقهی جدید بوده تا خلیفه از رهگذر آن بتواند خلأ ناتوانی فقهی خود را پر نماید ... مردم می‌دانستند که مشرع، خدا و رسول او است. از این رو می‌خواستند احکام را تنها از کسی فرا گیرند که از خواص پیامبر ﷺ بود و از اسرار تنزیل و تأویل قرآن آگاهی کامل داشت. از سوی دیگر قضایایی که خلیفه را ناگزیر

^۱ ابوعبدالله، محمد بن سعد، طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۶.



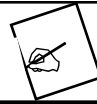
به فتوا طبق رأی خود می‌ساخت، در نصوص روایی نیامده بود و او ناگزیر از اجتهاد بود و دست دیگران را نیز برای اجتهاد باز گذاشت تا او را در اجتهاد و رأی معذور دارند... بدین ترتیب ممانعت از تدوین حدیث، امکان رأی و اجتهاد را برای خلیفه فراهم ساخت.^۱

۴. از بین رفتن حلقه‌ی اتصال اسناد روایات

۵. تشکیک در سنت نبوی

۶. رهیافت وضع در روایات

^۱. سید علی، شهرستانی، منع تدوین الحدیث، ص ۳۵۷-۳۵۹.



نتیجه گیری

با توجه به این که همواره دشمنان از صدر اسلام، توطئه کردند و برنامه‌ی مدونی را که خداوند به واسطه‌ی پیامبرش، برای آینده‌ی جامعه‌ی اسلامی معرفی کرده بود، را مانع عملی شدن آن شدند با توجه به اینکه مردم بصیرت و معرفت کافی نسبت به فضایل امام علی (علیه السلام) نداشتند، حق حضرت را غصب کردند و همواره دشمنان درصدد توطئه و برچپیدن اسلام ناب محمدی بودند و عواملی مانند عدم معرفت، دنیاطلبی و... باعث به وجود آمدن این ظلم شد.

در نتیجه زمانی که مردم حق امام معصوم را غصب کردند و فضایل ایشان را کتمان کردند، پیامدها و آثار مخرب ناشی از آن، دامنگیر خود مردم می‌شود.



فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *مدینه معجز الأئمه الاثنی عشر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
۴. جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان)*، بی جا، دلیل ما، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
۵. حلی، حسن بن یوسف، *نهج الحق و کشف الصدق*، بیروت، دار الکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
۶. دری اصفهانی، علی، *بیست و پنج سال سکوت*، بی جا، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۴۳۱ ه.ق.
۷. رشاد، علی اکبر، *دانشنامه امام علی (علیه السلام)*، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. سبحانی، جعفر، *فروغ ولایت*، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۹. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، *امالی*، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۳. فربودی، محمد، *حدیث مظلومیت (مظلومیت - صبرها و امتحانات هفتگانه امیرالمومنین (علیه السلام))*، بی جا، کوثر، ۱۳۸۹.



۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم، اسوه، چاپ هشتم، بی‌تا.
۱۵. المتقی الهندی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال**، بیروت، موسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۶. محمد بن عیسی بن سوره، **الجامع الصحیح سنن الترمذی**، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۷. نسایی، احمد بن شعیب، **خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)**، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
۱۸. نظری منفرد، علی، **بیست و پنج سال مظلومیت امام علی (علیه السلام) از امامت تا حکومت**، بی‌جا، ناشر: جلوه کمال، ۱۳۹۳.
۱۹. نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.